

ارتباط شهر الکترونیک، توسعه پایدار و مدیریت یکپارچه شهری با نظم و امنیت

علی صابری^{*۱}

۱- پژوهشگر علوم پایه

* sharemjazi@gmail.com

ارسال: دی ماه ۹۵ پذیرش: اسفند ماه ۹۵

خلاصه

خلق محیطی الکترونیکی یا فضای هوشمند مجازی و تابع و همراه کردن سیستم انسانی با این داده‌های دنیای جدید و در نهایت ایجاد فضای ارتباطی هوشمند متفاوت و جدید، می‌طلبد که با مفهوم عملکرد روابط انسانی و همچنین درک و یادگرفتن اصول این فضای هوشمند آشنا بشویم و تبادل ارتباطات استاندارد در چنین محیطی که فضای امن و درست را برای زندگی ایده آل فراهم می‌کند یاد بگیریم؛ که نظم و امنیت اجتماعی هم بخشی از این زندگی استاندارد می‌باشد. برای زندگی درست و ایده آل باید دانش آن را یاد گرفت و یاد گرفتن لازمه تغییر و رشد در افکار مان است تا بتوانیم با افکاری جدید، روابط رشد یافته تر و کامل‌تری نسبت به امورات زندگی از خودمان بروز دهیم. در نهایت سیستم یا جامعه‌ای ایده آل و استاندارد را خلق کنیم، یا طبق ضوابط یک جامعه مدرن عمل کنیم. نقش فرد در چنین نظام اجتماعی بر پایه اصول یک نظام هوشمند الکترونیکی اساسی و بنیادی است. چگونه می‌توان فرد را با این دانش جدید آشنا کرد و آنچه که ساختار و هویت چنین نظامی است را به فرد یاد داد و از او فردی منضبط با اصول این نظام جدید اجتماعی ساخت و همچنین از فرد برای اجرایی کردن ابعاد این نظام هوشمند در جامعه استفاده کرد چرا که نقش فرد و ساختار نظام اجتماعی با هم در ارتباط می‌باشند لازمه جامعه‌ای درست که اعضا در آن نقش خود را به درستی ایفا کنند بودن افراد و اعضای است که دانش و زمینه یادگیری را داشته باشند و همچنین برای دادن محیطی درست به اعضای اجتماع باید ساختار و قوانینی اصولی در ماهیت نظام باشد و همچنین نحوی ارائه مهارت و دانش زندگی به افراد باید به گونه‌ای استاندارد در روند یک نظام اجتماعی جریان داشته باشد تا بتواند افراد را با روند و مسیر خود همسو نماید و در نهایت فضایی ایده آل را برای زندگی افراد اجتماع بسازد.

کلمات کلیدی: شهر الکترونیکی، مفاهیم ارتباطات جدید، جامعه پیشرفته، فرد و جامعه استاندارد.

۱. مقدمه

فهم فردیت انسانی ضروری است، تا بدانیم چگونه می‌توان او را با ماهیت نظامی که می‌خواهیم فرد در آن نقش خود را درست یاد بگیرد، آشنا کنیم پس باید مبنا و اساس رفتارهای انسانی را بشناسیم تا با شناخت ابعاد انسانی بتوانیم تغییراتی در آن به وجود آوریم و از او فردی آگاه و تابع نظم اجتماعی بسازیم. آگاهی و کسب مهارت زندگی، بکار بردن و استفاده از داده‌های وجودی خود انسانی است یعنی هر فردی باید یاد بگیرد یا بپذیرد که باید خود را رشد دهد و از خود فردی مسئول در قبال مسائل زندگی بسازد وقتی مسئولیت نسبت به اعمال خود را یاد بگیرد یعنی درست بروز دادن خود یا عکس‌العمل درست انجام دادن، پس چنین فردی، فرد مفید و مناسب با یک نظام اجتماعی خواهد شد. اینکه چگونه این فرد انسانی را باید رشد کند. علاوه بر نقش ساختار نظام اجتماعی ماهیت، درک خود فرد است که چگونه به قوانین یک نظام اجتماعی می‌نگرد و

نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ یعنی باید برای داشتن یک شهر یا محیطی طبق اصولی جدید یا ساخت شهری الکترونیکی باید در مرحله اول افراد این نظام اجتماعی افرادی آگاه و دانش‌پذیر باشند تا آنچه که از آن‌ها انتظار داریم یا می‌خواهیم به شکلی درست انجام بدهند از خود بروز دهند. محیط جامعه درست یا مدیریت منظم اجتماعی است که فرد را ملزم به داشتن روابط سالم و یادگیری ارتباطات در دنیای الکترونیک می‌کند. یک همسویی و پیوستگی بین فردی که در این محیط می‌خواهد شهروند درست باشد یا شهروند درست بودن را یاد بگیرد، و سیستم یا جامعه‌ای که می‌خواهد با ایجاد فضای ارتباطی جدید شهروندان خود را تابع این اصول زندگی الکترونیکی کند، برقرار باشد.

استنباط‌های متفاوتی از فضای مجازی و تفکر درباره موضوعات متفاوت علوم انسانی و اهمیت دادن به آن، باعث شده تا بتوانم در این زمینه مقالاتی ارائه بدهم. مفاهیم این مقاله به نحوی همسو با دو مقاله بین‌المللی من می‌باشد که در قسمت مراجع به آن‌ها اشاره شده است. در ضمن هیچ‌کدام از این مقالات دارای منبع خاصی نمی‌باشند از این رو فقط عنوان مقاله و همچنین کنفرانس ارائه شده در آن، ذکر شده است.

۲. ادبیات فنی موضوع

فهم فرد از ماهیت هستی مدام در حال تغییر و رشد یا شاید انحراف و نزول باشد. هر یک از ما با نگرش و جهان‌بینی خاص خود ماهیت هستی را تعریف و تفسیر می‌کنیم و این تعریف اصولاً یک برداشت ذهنی است که ممکن است برای هر فردی نسبت به فرد دیگر متفاوت باشد و ممکن است در طول زندگی فردی با رشد فکری و اخلاقی باز این برداشت تغییر کند یعنی به گونه‌ای که دائم نگرش ما در حال تغییر است و ایده و فکرهای جدید در ذهنمان شکل می‌گیرد محیط و فضای زندگی را شکلی دیگر بررسی می‌کنیم و شاید با یک‌روند فکری ساده نتوان به این ماهیت کلی زندگی پی برد. چون با ورود علم و فناوری فضای مجازی این روند و ساختار زندگی، شکل و مسیری متفاوتی پیدا کرده و بستر و فضایی بیشتری در اختیار افراد گذاشته است که با استفاده از امکانات این فضای مجازی پی به گستردگی موضوع خواهیم برد. لذا هر یک از ما به طریقی می‌خواهد از این علم بیاموزد و استفاده کند همواره کاربرد و استفاده از داده‌ها و امکانات این فضای مجازی در روند جامعه، برای ما قابل لمس است و اثرات آن را در زندگی مان می‌بینیم. شاید تعاریف گوناگونی از این فضای مجازی در زمینه‌های متفاوت از محققان ارائه شده باشد، لذا این برداشت فکری و این تحلیل محتوایی در مقاله می‌خواهد این مفاهیم را به گونه‌ای دیگر و از زوایای متفاوتی بررسی کند تا بتواند به مخاطب خود نگرش و جهان‌بینی متفاوت و جدیدی از ماهیت فضای مجازی و کاربردهای آن در روند زندگی ارائه دهد. از آنجا که دامنه و تأثیرگذاری فرآیند الکترونیکی شدن خدمات اجتماعی، خواسته یا ناخواسته با قالب‌های نوین ارتباطی، روند زندگی را تحت تأثیر قرار داده، پس داشتن علم و تخصص در این زمینه چه به عنوان کاربر و چه به عنوان ادمین یا در نقش فرد و نهادهای اجرا کننده، الزامی است. این مقاله الکترونیکی شدن را در یک فرآیند برای دادن نظم به ارتباطات و تبادلات در ساختار یک شهر مدرن الکترونیکی بحث می‌کند که می‌خواهد با ارائه این مفاهیم ساختاری ایده آل از یک شهر الکترونیکی ارائه بدهد. مدرنیته شدن یا الکترونیکی یا اینترنتی شدن ارتباطات و خدمات زندگی محصول تلاش و نبوغ و نوآوری‌های افراد بوده است یعنی تلاش‌ها و ایده‌های متنوعی در این زمینه ارائه و تجربه شده تا بتواند چنین خدماتی را در اختیار افراد قرار دهد لذا وظیفه این مقاله هم ارائه مفاهیمی برای درک بهتر موضوع و استفاده بهتر از این امکانات می‌باشد.

۳. شرح تحقیق

باید اول تعریفی از فرد داشته باشیم اینکه ماهیت او چیست و چگونه مهارت‌های خود را از نظام اجتماعی دریافت می‌کند تا بتوانیم نوع ساختاری از نظام اجتماعی را که می‌خواهیم نهاده کنیم، به فرد یاد بدهیم. هر فرد دارای ماهیتی است مجموعه‌ای از عمل و عکس‌العمل در محیطی که از آنجا زندگی او شروع می‌شود. با اندیشه و فکری وارد زندگی می‌شود و با توجه به

شرایط محیطی به گونه‌ای رشد می‌کند و یاد می‌گیرد که این رشد و یادگیری فرد بستگی به نوع شرایط خانواده و اجتماع دارد. عواملی که شاید در مرحله اول رشد فرد نمی‌تواند آن‌ها را انتخاب کند بلکه با توجه به شرایطی که در آن به دنیا آمده، زندگی می‌کند که این شرایط برای همه افراد به گونه‌ای متفاوت می‌باشد. ولی از آنجا که هر موجود انسانی دارای داده‌هایی حیاتی است مجموعه‌ای از افکار که به نحوی از آن برای شکل دادن به روابط اجتماعی یا امور زندگی استفاده می‌کند و چیزی که بر اساس آن فرد عمل می‌کند نوع نگرش و فکر او است لذا اگر این افکار افراد رشد یافته باشد رفتارهایی درست از یک فرد در اجتماع می‌بینیم. در واقع اصولی اساسی برای نحوه رشد انسان‌ها وجود دارد و آن هم این است که فرد باید رشد کردن و به آگاهی رسیدن را بخواهد همچون تلاش او برای کسب یک مهارت فنی، باید به واکاوی و ترکیه خود پردازد و تلاش کند برای رسیدن به آگاهی؛ و از آنجا که هر انسانی در محیطی هوشمند زندگی به دنیا می‌آید و این فضای زندگی بر پایه شعور و آگاهی است لذا منبعی از دانش هستی در اختیار انسان‌ها می‌باشد و فرد باید با تلاش و خواستن از این آگاهی و دانش هستی استفاده کند و از خود فردی آگاه بسازد. سیستم نظام هوشمند هستی به گونه‌ای کلی و تمام بر روابط موجودات اثر دارد و وقتی این نظام هوشمند هستی درک شود و فرد انسانی هم خود را برای یادگیری زندگی درست آماده کند نتیجه آن خلق ارتباطات جدید یا نوع‌هایی از ارتباطات ایده آل در نظام اجتماعی می‌باشد.

وقتی ما می‌خواهیم که افراد یک جامعه سیستم یا نظامی جدید را بپذیرند باید نوع دانشی که ما به اعضای جامعه برای یادگیری قوانین جدید می‌دهیم بر مبنای شناختی درستی از ماهیت فرد انسانی باشد تا بتواند نتیجه بخش شود. روابط اجتماعی درک مفاهیمی است که یک فرد انسانی چگونه در زندگی خود از اجتماع تأثیر می‌پذیرد و این اصول اجتماعی جاری چگونه مفاهیم خود را به فرد یاد می‌دهد.

در اصول زندگی ایده آل، استانداردهایی وجود دارد که باید طبق آن زندگی کرد. وقتی تفسیر ما از مفهوم کلی هستی، یک فضای نامحدود آگاهی و دانش است منبعی برای کسب نعمت و دانش زندگی؛ و همچنین ایده آل‌ها و معیارهای زندگی بهتر در این زندگی و این نظام هستی جاری است. پس افراد باید با رشد فکری خود بتوانند این شعور و آگاهی زندگی بهتر را به سوی خود جذب کنند و آن را در امورات زندگی بکار ببرند. دادن دانش به افراد یک اجتماع وظیفه یک سیستم اجتماعی درست و شکل گرفته است که بتواند با مهارت افراد یا اعضای اجتماعی خود را با دانش‌های ارتباطی جدید آشنا کند. هماهنگی بین افراد و سیستم فعال اجتماعی، یک نظام ارتباطی را به وجود می‌آورد که در این نظام، ارتباطات جدید به شکلی کامل و استاندارد در اختیار افراد اجتماع قرار می‌گیرد و نهایت یک شکلی از زندگی مدرن جریان می‌یابد. یک شکل ایده آل از فرد انسانی در سیستم یا نظام جدید ارتباطی وجود دارد که وظیفه نظام مدیریت رساندن افراد اجتماع به این ایده آل است. در اینجا هم تعریف فرد استاندارد سیستم الکترونیک مطرح است و هم نحوه اجرای اصول نظام منظم اجتماعی، یعنی روشی برای نظم دادن یا بکار بردن و یاد دادن داده‌های نظام مدرن به اعضا یا افراد جامعه.

فرد ایده آل سیستمی، فردی است که گونه‌ای از برخورد با زندگی را انتخاب می‌کند که آسیبی به نظام اجتماعی و افراد این اجتماع وارد نشود و همسو و هماهنگ با نظام مدرن اجتماعی پیش برود. برای ساخت و شکل و هویت دادن به چنین ایده آل انسانی هم فرد باید مهارت زندگی را یاد بگیرد و هم اصولی درست در نظام اجتماعی جریان داشته باشد تا بتواند بازدهی درست را داشته باشد؛ که این بازدهی درست، فردی منظم و رشد یافته در سیستمی استاندارد است که افراد را به نوعی مدرن از ارتباطات جدید اجتماعی وادار می‌کند، به این معنا که برخورد و قدرت این سیستم استاندارد به گونه‌ای است که افراد را منظم و ساخته شده و ایده آل بار می‌آورد. قدرت و توانایی این سیستم از داشتن اصول درست و نحوه اجرای آن است که می‌تواند افراد را به آنچه که مطلوب و نتیجه خودش است برساند. اینکه نهاد اجرایی قوانین اجتماع، اصول اجتماعی را چگونه باید اجرا کند یا چه اصولی و قوانینی را اجرا کند تا بتواند هم خود کارکردی استاندارد داشته باشد و هم بر افراد انسانی اجتماع اثر گذار باشد.

اصولاً داده‌ها و دانش‌هایی که ریشه صحیح و رشد یافته داشته باشند می‌توانند افراد را با خود همسو نمایند. این دانش یا مهارت چگونه باید کسب شود، این علم رفتاری نظام اجتماعی چه معنا و مفهومی دارد و چگونه با یادگیری آن می‌توان روش درست زندگی بهتر را یاد گرفت و به خلق افرادی استاندارد و ایده آل رسید. مفاهیمی هستند که باید درک و فهمیده شوند وقتی درک درستی از معنای واقعی بودن و حیات داشته باشیم می‌توانیم قوانین و نظام جاری در آن را درک کنیم و از این قوانین و اصول در بهتر کردن روند زندگی استفاده کنیم. راهگشای انسان در مسیر زندگی آگاهی و دانش اوست که می‌تواند مسیری درست را به او نشان دهد و از او فردی درست را بسازد. با فهم ماهیت بودن و درک آن از ابهامات زندگی به سوی آگاهی و شعور حرکت می‌کنیم و با کسب این دانش می‌توان زندگی ایده آل خود را بسازیم. وقتی دانش زندگی کردن داشته باشیم، زندگی بهتر و خوشبختی امری بدیهی است، یعنی در واقع خوشبختی محصول این کسب دانش زندگی است.

ماهیت فرد و ماهیت نوعی نظام اجتماعی که ما می‌خواهیم اجرا شود در اجتماع و ماهیت نظام هوشمند هستی، مفاهیمی هستند که باید فهمیده شوند. تا به نتیجه مطلوب در زندگی رسید. وقتی نظام بودن و اساس زندگی را درک کنیم می‌توانیم تمام رویدادهای حیاتی را بفهمیم. پس در اینصورت برخورد و عکس‌العمل ما به زندگی برخوردی آگاهانه است و برای ما نتیجه درست و مطلوب را دارد.

ماهیت فرد یک مجموعه از افکار است که باید توسط خود فرد شناسایی، کشف و فهمیده شود. ماهیت نظام اجتماعی هم نوعی ساختار است که با توجه به میزان آگاهی افراد آن جامعه و قوانین ذکر شده در آن که توسط افراد حاکم بر نظام اجتماعی ارائه داده شده و نوعی از ساختار ارتباطی را برای افراد آن جامعه به وجود آورده است؛ و ماهیت نظام هستی هم هوش و شعوری لایتنایی است دامنه‌ای وسیع از داده‌های حیاتی که باید فرد آن‌ها را برای رشد و شکوفایی خود برای رسیدن به فرد ایده آل و خلق زندگی استاندارد بکار بگیرد. پس از هماهنگی و همسویی بین این سه عنصر اصلی فرد، نظام اجتماعی و نظام هستی، محیط یا شهر استاندارد ساخته می‌شود.

محیطی به نام زندگی داریم که نشان دهنده تمام اعمال حیاتی موجودات به شکل‌های متفاوت می‌باشد. خالق یا شعوری لایتنایی که بر تمام نظام زندگی جاری است، در واقع چنین محیطی نمی‌تواند خالق یا شعوری آگاه را نداشته باشد. پس اولین قدم پذیرفتن خالق هستی است یک شعور و آگاهی که بر تمام نظام هستی جریان دارد؛ و همین به فرد انسانی امیدی می‌دهد که شعوری ناظر بر اعمال ما وجود دارد یا نوعی حسی هدفمندی به امورات زندگی، اینکه نتیجه‌ای برای اعمال و اندیشه‌های او وجود دارد و این نتیجه جواب و پاسخ به اعمال او می‌باشد و این ایده‌ای می‌شود، انگیزه‌ای آغازین و اساسی برای شروع زندگی به گونه‌ای هدفمند؛ و او را از چالش‌ها و نابسامانی درونی به سوی مبدا و نهایی هدایت می‌کند که منبع و آغاز زندگی آگاهانه است. پس باید به این شعور هستی پی برده و آن را باور کنیم.

ولی شاید شکل زندگی افراد و شکل نظام اجتماعی به درستی از این نظام هوشمند زندگی استفاده نکنند و یا افراد تلاشی برای رشد و پرورش خود انجام ندهد و از قوانین اجتماعی تخطی کنند و همچنین نخواهند که از این شعور هستی برای ساخت یک زندگی ایده آل بهره ببرند و نتیجه افرادی نامناسب با سیستم اجتماعی می‌شوند و زندگی‌های غلط به معنای مغایر بودن با اصول ایده آل زندگی، داشته باشند. پس فرد انسانی به خودی خودی نمی‌تواند خوشبختی و موفقیت را به دست آورد لازمه خوشبختی رشد فکری است تا بتواند ایده آل خود را در زندگی بسازد یعنی رشد و تلاشی آگاهانه که باید از فرد انسانی شروع شود، بروز داده شود تا او را به مسیری درست هدایت نماید. برای این جامعه‌ایده آل فرد باید نقش و جایگاه مهم خود را بداند؛ و بداند که ساخت یک جامعه‌ایده آل جدا از خود او نیست؛ و ماهیت و عملکرد او هم بخشی از نظام استاندارد شکل‌گیری روابط اجتماعی است. وقتی به دانشی برسیم که عضوی از پیکربندی نظام کلی هستیم پس این توجه به خود سبب می‌شود هم نسبت به ماهیت اجتماع که مکمل شکل دادن به هستی ما است می‌شویم و هم نوع برخورد خود را با نظام اجتماعی نظم می‌دهیم چرا که فهمیدیم ماهیت روند جامعه برای بهبود زندگی ما است.

روش های آموزش و یادگیری تلاشی است برای آگاه کردن افراد برای داشتن زندگی سالم و ایده آل در معنای کلی آن، روش های آموزش جاری مبتنی بر تحصیل یا مطالعه یا مهارت و یا علم آموزی یا هر نوع فرا گرفتن کسب مهارت است، یعنی روندی انتخابی توسط سیستم اجتماعی برای یاد دادن به افراد جامعه و همزمان هم اداره کردن جامعه برای دوری از نابسامانی های اجتماعی. وقتی هم ساختاری جدید از روابط اجتماعی در سیستم زندگی اجتماعی انسان ها وارد شد باید درست با این داده زندگی یا این بهره مندی یا نعمت برخورد کرد و آن را به گونه ای مثبت در امر زندگی به کار برد یا دانش استفاده از داده های زندگی را بلد بود. در این میان می توان به نظام های جاری آموزشی و نحوه عملکرد آن ها به گونه های متفاوت در تمامی ابعاد زندگی اشاره داشت، سوای بازدهی ای که این نظام های اجتماعی و شیوه های اجرایی آن ها داشته اند ما باید با نظام جدید و الکترونیکی که مقوله ما در اینجا است، برخوردی درست داشته باشیم و برای فرد انسانی این مفاهیم را تعریف کنیم.

بهترین علم، علمی است که بتواند دانش درست زندگی کردن را به انسان ها یاد بدهد. با تعریف این مفاهیم به این نتیجه می رسیم که باید علت درست عمل نکردن فرد یا درست و اصولی زندگی نکردن فرد را مورد بررسی قرار دهیم. پس قبل از تحلیل نوع سیستم اجتماعی حاکم بر افراد جامعه ما علت ناتوانی های فردی یک انسان را بررسی می کنیم. علل رفتارهای افراد نوع فهم آن ها یا نگرش و جهان بینی آن ها نسبت به زندگی است که باعث می شود نوعی رفتار را در برخورد با رویدادهای اجتماعی و زندگی شخصی انتخاب کنند و این نوع نگرش افراد هم بازمی گردد به میزان درک و آگاهی آن ها از روابط یا همان فهم یا برداشت ذهنی از زندگی، پس اگر این نگرش و جهان بینی درست و رشد یافته باشد بدیهی است که رفتاری درست و آگاهانه از افراد جامعه می بینیم و اگر نگرش غلط و رشد نیافته باشد رفتارهای نادرست و برخوردهای اجتماعی نادرست می شود. پس برای رفتار درست در این مرحله از یادگیری باید نگرش و افکار افراد رشد یابد تا عملکردی درست از خود نشان دهند و اینکه چگونه این دانش رفتاری را به افراد یاد داد به خود فرد و نظام اجتماعی هوشمند آن جامعه بر می گردد. فرد انسانی باید در مرحله اول بخواهد و تلاش کند که به آگاهی و شعور زندگی برسد وقتی خواستن به معنای درست آن در فرد شکل گرفت و از آنجا که بیان کردیم فضا یا محیطی که در آن زندگی می کنیم محیطی هوشمند و ناظری با شعور و آگاه دارد پس آنچه یک فرد برای رشد خود در محیط بیرونی لازم دارد، موجود هست در فضا و محیط زندگی او و او تنها باید روش دریافت و بکارگیری این داده های هستی را فرا بگیرد. پس وقتی خواستن همراه با اراده و آگاهی در فرد شکل گرفت و فرد تمایل داشت که در خود تغییر و رشد به وجود آورد افکار آسیب دیده او وادار به رشد و تغییر می شوند علت ضعف رفتاری، برداشت های نادرست و یادگیری های غلط زندگی است که اگر افکار تغییر کند پس این برداشت های ذهنی از روند زندگی هم تغییر می کند و با نگاهی درست ماهیت زندگی برای فرد مشخص می شود و او هم عکس العمل بهتر و رشد یافته تری را نسبت به زندگی به معنای کلی از خود بروز می دهد پس ما دانش یا منبع آگاهی را در اختیار داریم منتها به علت بد یاد گرفتن یا هر دلیلی از آموزه های غلط باعث شده فرد نتواند خود را آنچنان که شایسته یک فرد ایده آل است، بسازد.

یادگرفتن زندگی یا رشد فکری وقتی در فرد ایجاد شود فهمی است همسو با روند زندگی، یعنی دانشی است که می شود مفاهیم جاری در زندگی را با آن تحلیل کرد و فهمید پس فهم روند و چگونگی جریان زندگی برای فرد وقتی شد با این فهم برتر بدیهی است که خود را به شکلی درست در سیستم اجتماعی و زندگی نشان می دهد؛ و فرد درست سیستم یا همان محیط زندگی می شود. در این مرحله با کسب فهمی درونی می خواهد و میتواند رفتار درست را در جامعه از خود نشان دهد نظام اجتماعی چیزی یا محیطی جدا از روند و نقش افراد نیست یعنی اگر افراد به مرحله ای از آگاهی برسند نقش خود را در جامعه پیدا می کنند و یا آنچه را که باید انجام بدهند را می فهمند؛ و اگر این نقش در بین کل سیستم اجتماعی به درستی اجرا شود، یعنی افراد اجتماع بخواهند و بدانند که باید در خود رشد و تغییر به وجود آورند، پس جامعه اعضای سالم خود را در اختیار دارد.

برای تحقق نظام اجتماعی درست و ایده آل، افراد اجتماع هر کدام باید یاد بگیرند که نقش خود را به درستی انجام دهند و در این صورت است که فضا یا محیطی مناسب و درست برای رشد اعضای اجتماع ایجاد می‌شود. هدف ساخت اجتماعی درست است پس بدیهی است که باید اعضا درست و آگاهانه عمل کنند تا روند نظام جامعه درست جریان یابد. اگر تا کنون نظام یا روندی اشتباه و نادرست جاری بوده علت بی توجهی به اصول اجتماعی در زندگی و دیدگاه های غلط افراد بوده است. ساخت فرد ایده آل با تلاش و رشد فکری همراه است بر همین اساس ساخت جامعه ایده آل هم باید با نیت و خواستنی شروع شود به عبارتی زندگی ایده آل در مفهوم کامل آن ساختنی است نه یافتنی. پس با این مفهوم نقش پر رنگ فرد انسانی در ساخت جامعه درست نمایان و مشخص می‌شود؛ و آنچه که در این روند نقش ایفا کند تا هم سیستم به درستی جریان داشته باشد و هم فرد انسانی درست و ایده آل پرورش یابد. رابطه لازم و ملزوم هم بودن نظام اجتماعی و فرد است که از یکدیگر تأثیر می‌گیرند.

اگر ساختار این نظام اجتماعی ساختار یک شهر یا محیطی مدرن باشد که شکلی جدید از ارتباطات را بین افراد برقرار می‌کند باید شیوه اجرایی قوانین در جامعه بگونه ای درست و استاندارد باشد تا بتوانند بر افراد جامعه اثر بگذارد و افراد را موظف به این شکل جدید ارتباطات کند و یکپارچگی و همسویی فرد با نظام اجتماعی را سبب شود و افراد بتوانند از امکانات یک جامعه ایده آل بهره ببرند؛ و توسعه پایدار شهری هم از همین هماهنگی درست اعضا و نظام اجتماعی به دست می‌آید.

پیشرفت و مدرن شدن ارتباطات در واقع سبکی از زندگی نوین یا شکلی از نوعی فرهنگ نوین زندگی است که افراد جامعه باید اصول و ماهیت آن را درک کنند تا بتوانند از آن درست در زندگی استفاده کنند. همچنانکه ذکر کردیم که این هستی فضای هوشمند است و ما به نسبت فهم خودمان از این دامنه وسیع بهره مند می‌شویم و همچنین گفتیم که با تغییر و رشد فکری می‌توانیم ماهیت نظام هستی را بفهمیم و از آن برای بهتر شدن روند زندگی مان در حالت کلی استفاده کنیم؛ و حال در دنیای مدرن که شکلی یا بعدی از نظام هوشمند هستی است پس با این پس زمینه از آگاهی درباره شکل و روند نظام هستی بدیهی است که با آگاهی و رشد فکری هم می‌توان این داده جدید یا این شکل از زندگی را هم بفهمیم و از آن در امورات اجتماعی به درستی استفاده کنیم. در سیستم دنیای الکترونیک یا هوشند شدن روابط انسانی یا برخورد از نوعی دیگر با امورات زندگی، موردی متفاوت از شکل ارتباطی است؛ یعنی ارتباطات در معنای تمام آن به گونه ای متفاوت جریان دارد فرد و نظام اجتماعی باید این نوع ارتباط را بفهمند و یاد بگیرند، فرد تعریف شده این نظام الکترونیک فردی است منظم و تحت سیستم و قوانین آن یعنی در واقع شکلی از فرد انسانی که سیستم ارتباطی جدید می‌خواهد شخصیت و هویت متفاوتی برای او قائل شود، یعنی عکس العمل های او نسبت به امورات زندگی در ابعاد کلی آن به گونه ای جدید است. فرد انسانی جامعه باید طوری خود را رشد دهد یا به گونه ای باشد که بتواند تغییرات جامعه مدرن را یاد بگیرد و بپذیرد. وقتی ماهیت فرد در سیستم جدید بیان می‌شود و برخورد او در این نظام مدرن ارتباطی، پس بدیهی است که هم نحوه یادگیری مهارت زندگی افراد و هم نوع دانش اجتماعی ارائه شده توسط نظام اجتماعی حاکم باید بگونه ای باشد که فرد و نوع نظام اجتماعی را همسو با یکدیگر به سوی یک هدف مشخص کند.

اینکه چگونه فرد این علم را بیاموزد همچنانکه توضیح دادیم ابعاد وجودی انسان به گونه ای است که باید با آگاهی و کسب دانش زندگی، داده های جدید را در رفتار خود نشان دهد یا بیاموزد و از آنجا که ما منبعی از هوش و شعور هستی و نمادی از خلقت هستیم میتوانیم با واکاوی و تفکر در امورات حیاتی خود به این مرحله از آگاهی برسیم یا همسو با جریان هوشمند هستی شویم؛ یعنی تا اینکه ما خود به بلوغ و رشد فکری نرسیم نمی‌توانیم ماهیت زندگی جدید و امکاناتی که در اختیار افراد انسانی داده شده را درک کنیم و از آن‌ها در اجرای زندگی به شکل درست و ایده آل استفاده کنیم و رشد ما منوط به خواستن و اراده ما است ما آنچه که باید داشته باشیم داریم فقط نحوه استفاده و بکار بردن آن در زندگی را خوب بلد نیستیم به همین دلیل شاید نتوانسته باشیم زندگی ایده آلی برای خود بسازیم. مسیر یادگیری دانش زندگی هم از بکارگیری درست ما از داده های

وجودیمان است یعنی اگر فرد به این تلاش و خواستن برای رشد و بلوغ فکری خود اهمیت بدهد. آگاهی و شعور در هستی هوشمند در جریان است و او می‌تواند آن را جذب و خود را به ایده آل برساند. اگر ما دنبال منبعی برای یادگیری زندگی هستیم این منبع یادگیری همین محیط هوشمند زندگی است فقط ما باید با توجه به نوع جایگاه یا نوع علایق و رفتار و خصوصیات خود روندی از بهرمندی در زندگی را انتخاب کنیم و در آن مسیر به تجربه و شکوفایی خود برسیم و به اصطلاح در مسیر خوشبختی و موفقیت قرار بگیریم در این مسیر هم ممکن است ما با بازخوردهای متفاوت روبه رو بشویم ولی چون هدف رسیدن به ایده آل و رشد است لذا هر نوع از نتیجه به گونه‌ای ما را به خود و ما می‌دارد که باید در خود تغییر و رشد ایجاد کنیم چون این بازخورد و نتیجه‌ها به نحوی جواب به ابراز کردن وجودی ما است. اگر شکل بروز دادن خود را که وابسته به رشد فکری ما است تغییر دهیم، رشد یافته و آگاهانه عمل می‌کنیم و نتیجه و بازخوردی مطلوب با عملکردمان از زندگی می‌گیریم و فردی درست با مهارت زندگی در جامعه می‌شویم. آنچه که باید سیستم نظام اجتماعی جامعه اجرا کند تا افراد در آن بهتر رشد کنند وظیفه افرادی است که چگونه شکلی از ارائه خدمات به اعضای جامعه را انتخاب کرده اند که اگر ساختار این نظام اجتماعی ارائه دهنده درست و استاندارد باشد فرد بهتر و آسانتر می‌تواند در این چنین محیطی رشد کند.

علاوه بر ماهیت فرد و راههای یادگیری زندگی استاندارد باید به بررسی نظام اجتماعی که مکمل ساخت این جامعه مدرن است پردازیم. ساختار نظام اجتماعی یک جامعه یا مثلاً یک شهر یا کشور یا خانواده یا هر محیطی که برای اداره کردن آن و نظم دادن به آن محیط باید اعضا به گونه‌ای مطابق با ماهیت آن محیط رفتار از خود بروز دهند. اگر محیط گسترده تر و تعداد اعضا بیشتر باشد اصولاً نظام مستحکم تری لازم است تا این مجموعه انسانی را اداره کند. اینکه چه کسانی یا چه سیستمی این قوانین و ساختار هدفمند اجتماعی را در یک مجموعه ایجاد یا مدیریت می‌کنند و این دانش را چگونه کسب می‌کنند ماهیت ساختاری از نظامی اجتماعی است. وقتی فردی طبق اصولی که بیان کردیم در مسیر رشد و یادگیری قرار گرفت نیازمند یک نظام اجتماعی آگاه و هدفمند است تا خود را در آن محیط بروز دهد؛ یعنی اگر فرد آگاه و دارای دانش وقتی در نظامی نامناسب و بدون استاندارد های اجتماعی ایده آل قرار گیرد موفقیت او در زندگی و بروز دادن ابعاد وجودیش سخت تر و شاید اصلاً نتواند افکار و ایده‌هایش را بروز دهد که نتیجه آن فردی سرخورده است فردی که مسیر درست برای ایده‌هایش پیدا نکرده که نتیجه آن فرد عضوی نامناسب برای اجتماع می‌شود لذا سیستم و نظام اجتماعی نقش مهمی در شکل گیری و اجرایی شدن روابط اجتماعی مدرن دارد. افرادی که به هر نحوی در هر نقشی و جایگاهی که در اجتماع دارند باید نقش اجتماعی خود را به گونه‌ای درست انجام دهند. پس لازم است برای اداره درست این نظام اجتماعی افراد در آن نقش درستی ایفا کنند و اینکه این علم رفتار اجتماعی را چگونه کسب کنند بیان کردیم که انسان باید از داده‌های حیاتی خود که مفهوم کلی بودن و زندگی را برای او معنا می‌کنند استفاده کند. لازم است که یاد بگیرد که او یک عضو اجتماع است و باید بفهمد در درون ماهیت اصلی این سیستم وجود دارد، نقش دارد و باید نقش و وظیفه خود را به درستی انجام دهد. برای فهم بیشتر مساله، فهم هویت واقعی اجتماع لازم است تا بتوانیم قوانین اجتماع را بپذیریم و فردی سرکش و منحرف در جامعه ایجاد نکنیم. اگر فرد هویت اجتماع را فهمید چگونگی برخورد یا نوع قانون اجرا شده توسط نظام اجتماعی را می‌پذیرد و چیزی به نام مدیریت یکپارچه سیستم و اعضا به وجود می‌آید و بازدهی این هماهنگی می‌تواند نتایجی چون امنیت روانی و اجتماعی، جامعه‌ای منظم و دارای ارزش های اجتماعی باشد. با فهم این موارد می‌توانیم ماهیت زندگی جدید با همان شهر الکترونیک را بفهمیم و با فهم و یادگیری آن یک تبادل درست بین افراد در یک شهر الکترونیک و سیستم اجرایی برقرار کنیم و از این تبادل ارتباطی درست ایده آل های یک شهر مدرن را محقق کنیم.

اول تعریفی از شهر الکترونیک باید داشته باشیم. یک نوع سیستم ارتباطی که ما می‌خواهیم روابط مدرن اجتماعی افراد را در آن هدایت کنیم که اگر این افراد در یک شهر باشند. باید به نحوی درست امورات اجتماعی آن‌ها را نظم بدهیم با امکانات نظام مجازی، در یک شهر الکترونیک برای خلق نوعی ساختار اجتماعی که رشد یافته و مدرن است، باید نظام اجتماعی تلاشی

برای یادگیری و موظف کردن افراد به قوانین این نوع ساختار اجتماعی بکند. فواید و امتیازات چنین سیستم ارتباطی را برای اعضای آن جامعه بیان کند و افراد را ملزم به یادگیری و تحت سیستم نظام الکترونیک کند؛ و به اعضای جامعه بفهماند که این نوعی از زندگی بهتر با امکانات بیشتر است. برای اجرایی شدن هر نوع از سیستم های اجتماعی که تحت عنوان نظام اجتماعی در یک جامعه حاکم می شود باید روش های نهادینه کردن اصول آن نظام اجتماعی به صورتی درست و آگاهانه باشد لذا اگر روش های اجرای هر گونه نظام اجتماعی درست و استاندارد باشد می تواند افراد جامعه را با خود همسو کند و اگر هم اجرا و شکل این نظام اجتماعی غلط باشد باعث انحراف افراد و ساخت جامعه ای نادرست می شود. اگر با دید وسیع تری بنگریم تمام شکل ها یا نظام های اجتماعی از یک اصول یکپارچه و از یک منبع و هسته اصلی که همان نظام هوشمند هستی است نشأت میگیرند و شکل و هویت؛ یعنی در واقع نوعی از نشانه های رشد اجتماع و جهان هستی هستند لذا اگر فرد، فردی آگاه و رشد یافته با معیارهای یک انسان ایده آل باشد یادگیری و طبق قانون یک نظام اجتماعی قرار گرفتن برای او آسانتر و بدیهی است و چنین شخصی نمی تواند عضوی نادرست در اجتماع تحت یک نوع نظام اجتماعی خاص باشد.

۴. بحث و نتیجه گیری

یک نظام اجتماعی، در واقع قدرت و سبکی از نهادینه کردن اصولی در اجتماع انسان ها است لذا برای موفق شدن یک نظام اجتماعی باید نوع اجرا کردن اصول آن به صورتی درست و استاندارد باشد تا بتواند در اعضای خود که افراد جامعه هستند اثر گذار باشد. از آنجا که ارتباطات الکترونیکی تا حدی در زندگی افراد وارد شده و افراد اجتماع هر کدام به نحوی از این امکانات دنیای جدید استفاده می کنند پس آنچه می تواند افراد را تابع شهر الکترونیک کند یا هر نوع نظام اجتماعی، به میزان فهم و آگاهی افراد و قدرت آن نظام اجتماعی بستگی دارد. برای موفق بودن یا ساخت یک جامعه ایده آل یا زندگی استاندارد، باید اعضای آن جامعه خواهان رشد و شکوفایی و پیشرفت باشند و نوع نظام و ساختاری که می خواهد در روابط زندگی افراد نقش داشته باشد باید نظامی شکل گرفته بر پایه آگاهی و استدلال های درست باشد و هدفش خلق خوشبختی و موفقیت برای افراد اجتماع باشد. پس موفقیت یک نظام اجتماعی وابسته به میزان آگاه بود افراد آن جامعه و ساختار آن نظام اجتماعی است.

۵. مراجع

۱. صابری. ع، هویت دنیای مجازی، کنفرانس بین المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی، بارسلونا اسپانیا، ۱۳۹۵.
۲. صابری. ع، مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی، دومین کنفرانس بین المللی ایده های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، سنگاپور، ۱۳۹۵.